

بررسی تطبیقی علل دروغگویی از منظر قرآن و روان شناسان

سید علی آل یاسین^۱، اعظم زارع^۲

^۱ استادیار، گروه روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمین

^۲ دانشجوی دکترای رشته روان شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمین

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

اعظم زارع

z.zare33@yahoo.com

چکیده

مقاله ی حاضر در سال ۱۳۹۵ تحت عنوان: «علل دروغگویی از منظر قرآن و روان شناسان» انجام شده و هدف اصلی آن، بررسی علل دروغگویی بزرگسالان از دیدگاه قرآن و روان شناسان می باشد، محقق با استفاده از روش های علمی (مطالعه و مصاحبه) به منظور کسب داده های لازم، از منابع گوناگون تحقیق مانند: کتاب ها، اینترنت و همکاران استفاده نموده و انواع دروغگویی را از منظر قرآن و روان شناسان چنین برشمرده است: دروغ انگاری در مورد ندانسته ها، حقایق دینی و احکام اسلامی (از نظر قرآن) و تظاهر کردن، بهتان یا تهمت، دروغ مصلحت آمیز و غیره (از نظر روان شناسان). سپس عواملی از جمله: وسوسه های شیطانی، فریب و نیرنگ، انکار حقایق و غیره (از نظر قرآن) و حفظ آبرو، رابطه ی پنهانی، سخن چینی و دیگر عوامل (از نظر روان شناسان) که منجر به دروغگویی می شوند، را مورد بررسی قرار داده است. در پایان به این نتیجه دست یافت که: دو عامل اساسی؛ یکی، عامل فردی یا روان شناختی که به شخصیت فرد مربوط می شود و دیگری عامل محیطی و فرهنگی (خانه، مدرسه و اجتماع) که فرد در آن زندگی کرده و با افراد گوناگون در ارتباط است، باعث دروغگویی می شود. هر چند که به عوامل زیادی برای دروغگویی اشاره شده، ولی همه ی آنها زیر مجموعه ی دو عامل ذکر شده می باشند.

واژگان کلیدی: دروغ، دروغگویی، روان شناسان، قرآن

مقدمه

در نهاد انسان، سائقه های مختلفی وجود دارد. اگر در آفرینش او حق طلبی، حقیقت دوستی و نیک جویی هست، در مقابل آن، کشش هایی مانند خودخواهی، سودجویی، مقام طلبی و شهوت خواهی نیز وجود دارد.

از طرفی انسان رغبت به انجام کار نیک و راستی و درستی دارد و میل به شر و تباهی، حالت انحرافی اوست. ذاتا خوبی ها را می خواهد، زیبایی ها را می جوید و از بدی ها گریزان و از زشتی ها روی گردان است. به همین دلیل می کوشد تا در ارتباط خود با دیگران عقل و وجدان را طوری تنظیم نماید که به طغیانگری منجر نگردد. علیمحمدی (۱۳۸۸) نیز معتقد است از آنجایی که ذات انسان، تمایلات مختلف از جمله راستگویی و درستی و در مقابلش دروغگویی و دورویی را طالب است، اگر به تمایلات مثبت علاقه نشان دهد و خود را به سوی کمال به حرکت در آورد شایسته مدح است و اگر تمایلات منفی، تمام دل مشغولی های او را تشکیل دهد، سزاوار مذمت است. همان طور که خداوند در سوره شریفه زمر آیه ۳ می فرماید: «خدا انسان دروغگو را هدایت نمی کند زیرا دروغ از موانع هدایت است.» هم چنین در سوره ی نحل آیه ی ۱۰۵ می فرماید: «انما یفتی الکذب الذین لا یؤمنون. دروغ را کسانی می سازند که ایمان ندارند.» از طرفی کانت از ما می خواهد بی توجه به جامعه ای که در آن زندگی می کنیم و بی توجه به این که دیگران اخلاقی یا غیر اخلاقی رفتار می کنند، ما خود، اخلاقی رفتار کنیم و در جهانی سرشار از بی صداقتی ها و دروغ ها، راستگویی پیشه کنیم و حتی در میان گله گرگان نیز، از گرگ صفتی دوری جسته و از دروغ بپرهیزیم (اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۵). حال جای سوال است که چرا اغلب افراد به برخی تمایلات منفی از جمله دروغگویی توجه داشته و در زندگی تحت فرمان آن هستند؟ مگر نه این که فطرت بشر از دروغ بیزار است و دروغگو را پست می داند؟ هر عقل پاک، دروغ را زشت می شمارد و دروغگو را سزاوار تنبیه و کیفر می داند؟ پس، چرا اغلب مردم در ارتباطات اجتماعی خود به دروغ روی آورده و از آن به عنوان حربه ای در مقابل دیگران استفاده می کنند؟

برخی پژوهشگران، هم چون دشمن زیاری (۱۳۹۰) با انجام پژوهشی با عنوان «ریشه یابی علمی دروغگویی و راه های درمان آن» توانست با بررسی انواع دروغگویی و عوامل آن، به این نتیجه دست یابد که اغلب مردم دروغ را به عنوان یک روش و استراتژی برای مقابله با مشکلات روزمره به کار می گیرند.

بر این اساس، عنوان مقاله ی حاضر چنین است: علل دروغگویی از منظر قرآن و روان شناسان و هدف اصلی آن بررسی علل و عوامل دروغگویی بزرگسالان از دیدگاه قرآن و روان شناسان می باشد.

اهداف مقاله

ملکوتی (۱۳۸۸) بر این باور است که همه ی انسان ها، راستی و راستگو را دوست دارند و از دروغگو بیزارند، حتی خود دروغگو. ولی علل و عواملی باعث می شود که فرد از فطرت پاک خود منحرف شده و به دروغگویی روی آورد. با این اعتقاد که افزایش آگاهی در مورد این عمل ناشایست، جهت دوری جستن از آن موثر واقع می گردد، این تحقیق علاوه بر هدف کلی، اهداف جزئی زیر را که شامل: آشنایی با تعاریف مختلف مفهوم دروغ، آشنایی با انواع دروغ و دروغگویی و کسب آگاهی بیشتر در مورد دروغ های مجاز می باشد را نیز، مد نظر داشته است.

متن مقاله

یکی از اعمال ناپسندی که اغلب مردم به آن روی می آورند، دروغ و دروغگویی است. برخی بر این عقیده اند که دروغگویی دژی است که دروغگو خود را در پشت آن پنهان می کند. کسی که در زندگی خود به دروغگویی عادت کرده باشد، هیچ گاه از انجام هیچ عملی خود را معاف نمی داند و با بی پروایی مبادرت به انجام کارهای ناپسند می کند زیرا با دروغگویی می تواند خود را از عواقب انجام کارهای زشت مصون نگه دارد (بیابانگرد، ۱۳۷۶، ص ۲۰۹). از طرفی برخی معتقدند هر کسی حریم خصوصی دارد و افراد نباید از کارهای یکدیگر سر در بیاورند، پس صداقتی هم که دیگران را ناراحت کند، ضرر دارد (لازاروس، ۱۳۸۴، ص ۵۸). گاهی افراد دروغ می گویند ولی خود را دروغگو نمی دانند چرا که برداشت دیگری از دروغ دارند. بنابراین شایسته است ابتدا به تعریف دروغ و دروغگویی پرداخته شود:

الف. دروغ

برای دروغ تعاریف بسیاری شده است، ابتدا به تعریف دروغ از نظر قرآن اشاره می شود: «در قاموس قرآن، کذب را (بر وزن وزر و کتف) دروغ گفتن معنی کرده است. وی اشاره دارد به استعمال قرآن از کذب (بر وزن وزر) در سوره غافر آیه ۲۸ «و ان یکاد با فعلیه کذب» به معنی دروغ گفتن. (کذب بر وزن کتف) و در سوره نساء آیه ۵۰ «یفترون علی الله کذب» به معنی دروغ. کذب (بر وزن کتف) سی و دو

بار و کذب (بر وزن وزر) یک بار در قرآن مجید آمده است. (قریشی، ۱۳۶۱، ج ۶ ص ۹۷) از جمله این که؛ دروغ، گزارش دادن از چیزی بر خلاف واقع آن است و در آن تعمد و خطا یکسان است، زیرا میان صدق و کذب واسطه ای نیست (اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۵۴). دروغ سخنی بر خلاف حقیقت است و دروغگو کسی است که برخلاف حقیقت، خبری می دهد (صدر، ۱۳۷۸، ص ۱۲). هم چنین دروغ، بیان سخن و مطلبی است که مطابق با واقع و حقیقت نیست. بین آنچه که توسط فرد بیان می شود و آنچه را که در جهان خارج وجود دارد، رابطه و همبستگی صحیحی وجود ندارد (قائمی، ۱۳۶۳، ص ۲۷۶). علاوه بر این، دروغ تحریف آگاهانه واقعیت، بیان مطلبی است که مطابق با واقعیت نیست. معمولاً کسی که دروغ می گوید آگاهانه به تحریف حقیقت می پردازد و امری را تایید می کند که وجود خارجی ندارد (دبیری، ۱۳۹۱، ص ۸).

برخی گفته اند: «دروغ بر خلاف راستی و صداقت است. به عبارتی فردی که دروغ را در پیش می گیرد به نوعی سعی دارد تا حقایق موجود را نه تنها پوشیده نگه دارد بلکه عامل و امر دیگری را جای حقیقت مطرح و ارائه می نماید» (کاو، ۱۳۸۸، ص ۲۳۱). دروغ اگر خود دروغ می بود، سرنوشت زبان عوض می شد، آنگاه سرنوشت انسان عوض می شد و آنگاه تاریخ به گونه های دیگری رقم می خورد. دروغ از درخت زبان می روید، ولی هیچ گاه میوه ای شیرین نمی دهد و به بار مثبت نمی نشیند. دروغ، سوهان دنیای زبان است. اگر این سوهان نبود، دنیای زبان تشعشعی بی نظیر و آرزو کردنی داشت ولی چه باید کرد که زبان قربانی خود است و دروغ، دندان های اره ای، که نخست خود زبان را می برد، آنگاه حقیقت مثبت انسان ها و زندگی ها را (فیضی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۲).

ب. دروغگویی

از آنجایی که دروغگویی اختصاص به طبقه خاصی ندارد و به جنس خاصی هم محدود نمی شود. بزرگ و کوچک ممکن است دروغ بگویند و گاهی اوقات از دروغگویی خود نیز لذت ببرند؛ در ذیل به بررسی دروغگویی از دیدگاه اسلام و روان شناسان پرداخته می شود:

تمام افراد و ملل جهان دروغگویی را مذمت می کنند و دروغ گو را پست و فرومایه می شمارند و نزد مردم اعتبار و آبرو ندارد. انسان شریف و بزرگوار هرگز دروغ نمی گوید. اسلام نیز این صفت زشت را مذمت نمود و گناهی بزرگ شمرده است. امام باقر(ع) فرمود: «دروغ پایه ی خرابی ایمان است.» هم چنین حضرت علی علیه السلام می فرماید: «هیچ کار زشتی، بدتر از دروغ نیست. همه ی انسان ها، راستی و راستگو را دوست دارند و از دروغگویی بیزارند حتی خود دروغگو.» (ملکوتی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۲)

برخی اندیشمندان معتقدند که میزان دروغ گفتن به ملت ها بستگی دارد. چرا که در بعضی فرهنگ ها دروغ گفتن به شکل های مختلف جا افتاده است (خانجانی، ۱۳۸۴، ص ۹۱).

زمانی که خود را با دیگران و اطرافیان مقایسه می کنیم، این امر باعث فاصله گرفتن از خود حقیقی مان می شود. ما در جهانی زندگی می کنیم که مملو از رقابت است و از همان اوایل زندگی می آموزیم که با خواهر و برادرها، هم کلاسی ها و با دوستان و غیره رقابت کنیم. گاهی ما موفقیت خودمان را در مقایسه، با موفقیت و شکست دیگران ارزیابی می کنیم و این چنین می شود که گاهی به دروغ روی آورده تا کمبودهای خود را جبران کنیم. با این کار ماسکی شخصی برای خود ایجاد می کنیم تا مردم چیزهایی را که برایمان خوشایند نیست، را نبینند (رابینز، ۱۳۹۰، ص ۳۰).

هم چنین در یک ارتباط متقابل از روی مهر و عشق ورزی، یکی از طرفین با استفاده از بی صداقتی و دروغ قصد دارد تا نکته، موضوع یا حقیقتی را از فرد مورد علاقه و یا شریک زندگی اش مخفی کند (کاو، ۱۳۸۸، ص ۲۳۲).

از طرفی افراد بشر آموخته اند که در زندگی اجتماعی باید رفتار پرخاشگری خود را سرکوب کنند و از بروز آشکار آن خودداری کنند، ولی این امر به خودی خود موجب از بین رفتن این احساس نمی شود. آنها قادرند به طور موقت رفتار را سرکوب کنند یا به تأخیر بیندازند یا این که آن را به صورت اجتماع پسندانه ای ظاهر نمایند. گاهی از دلیل تراشی استفاده می کنند، آنها اغلب برای رفتارهایی که از دو اصل خودخواهی و خودپسندی سرچشمه می گیرد، دلایلی که به ظاهر بسیار پاک و عاری از خودخواهی است ارائه می دهند. نقش تظاهر و منطقی جلوه دادن رفتار را، هر فردی بازی می کند (شاملو، ۱۳۶۳، ص ۱۳۵).

گاهی دروغگویی را به لحظه ی عدم آگاهی نسبت می دهند، چرا که آگاهی بازتابی از توانایی های تمایز دادن یا تشخیص دادن از بین مجموعه بسیار زیادی از انتخاب هاست، این تمایزها در محدوده ی زمانی بسیار کوتاهی کمتر از یک ثانیه اتفاق افتاده و دایم در حال تغییر هستند. آگاهی به عنوان مجموعه ای از تجربه های پدیداری، ضرورتاً انفرادی است و وابسته به جسم و مغز و تاریخچه تعامل های فردی با محیط خود می باشد (دلمن، ۱۳۸۷، ص ۱۷۰).

با توجه به نظر اسلام و روان شناسان و اندیشمندان در مورد دروغ و دروغگویی چنین دریافت می شود که درخت دروغگویی ریشه های ناپیدایی دارد که هر کدام به نوعی موجب رشد این درخت زینبار می شوند. قبل از کاوش ریشه های این درخت منفور، شایسته است ابتدا به بررسی شاخه های آن که انواع دروغ و دروغگویی می باشد، پرداخته شود:

ج. انواع دروغ و دروغگویی

دروغ اقسامی دارد که عبارتند از: دروغ در گفتار یعنی خبر دادن بر خلاف واقع، دروغ در نیت و اراده و آن عدم خلوص نیت برای خداست، دروغ در عزم و تصمیم به کار خیر و این نیز از فساد و زبونی قوه ی شهوت است. دروغ در وفای به عزم که نفس گاهی و در حالتی به آسانی تصمیم می گیرد، زیرا وعده دادن برایش مشقتی ندارد. دروغ در اعمال که اعمال ظاهری فرد، دلالت بر صفتی در باطن او می کند که فاقد آن است. دروغ در مقامات دینی مانند دروغ در خوف و رجا، زهد و تقوا، حب و تعظیم، توکل و تسلیم و دیگر فضایل اخلاقی. (مجتبوی، ۱۳۷۲، ص ۳۰۴) در ادامه اقسام دروغگویی از نظر قرآن و روان شناسان مورد بررسی قرار می گردد:

۱. اقسام دروغگویی از نظر قرآن

در قرآن چندین قسم برای دروغگویی آمده است که در این تحقیق به سه نوع آن بسنده می شود:

۱-۱. دروغ انگاری ندانسته ها: بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَاْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ. (یونس/۳۹) دروغ انگاران ندانسته ها، از ستمگران محسوب می شوند و باید عاقبت شان را نگرست. ستم آنها پیش از همه به خودشان است چرا که ندانسته ها را دروغ می پندارند و این یعنی دروغی بزرگ، که ندانسته ها را به سادگی نمی توان دروغ انگاشت.

۲-۱. دروغ انگاری حقایق دینی: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ. (عنکبوت/۶۸) و کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغی را افترا ببندد، یا هنگامی که حق سوی او آید، آن را به همان وسیله تکذیب کند، آیا پناهگاه کافران در جهنم نیست؟

۳-۱. دروغ انگاری احکام اسلامی: قرآن می فرماید: وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ. (بقره/۳۹) و کسانی که کفر ورزیدند و با نشانه های ما؛ هم آن ها و هم ما را تکذیب کردند، اینان اند همراهان آتش و در آن ماندگاراند.

۲. اقسام دروغگویی از نظر روان شناسان

بسیاری از روانپزشکان، دروغگویی دایمی را همیشه به عنوان نشانه ای از وجود مشکل روانی در نظر می گیرند که می تواند شامل بیماری هایی مثل توهم و خیال پردازی، انواعی از بیماری های روانی و یا خودشیفتگی روانی باشد.

دکتر چالرز دیک، استاد روان شناسی دانشگاه ییل می گوید: «در بعضی موارد نیز افراد دروغگو نشانه ای از وجود بیماری نداشته و صرفاً به دروغ عادت کرده اند. این گونه اشخاص صبح از خواب بیدار می شوند و انگار مجبور هستند که تا شب دروغ بگویند. در این حالت باید نوع زندگی و کار آنها مورد بررسی قرار گیرد و شاید به دلیل نوعی اجبار کاری یا فشار در زندگی روزمره مجبور به دروغگویی می شوند».

دکتر رابر فلدمن، روانپزشک دانشگاه ماساچوست گروهی از افراد داوطلب را به دوربین مخفی مجهز کرد که حرکات آنها طی روز ثبت می شد. این بررسی نتایج نشان داد که اکثر افراد طی روز از دروغ استفاده کرده اند. (www.migna.ir)

در ادامه انواع دروغگویی از نظر روان شناسان مورد بررسی قرار می گیرد:

۱-۲. **تظاهر کردن:** نوعی دروغگویی است زیرا فرد درد انتظارات برآورده نشده، درد شکست، ترس از شکست و ترس از طرد شدن را می پوشاند. علت بحران این نیست که همه چیز خیر نیست بلکه این است که او این اعتقاد را برای دور نگه داشتن خود از عواطف به کار می برد. به جای آن که عواطف خود را احساس کند، آنها را تحت بررسی بگیرد و از آنها بیاموزد، می ترسد و فرار می کند (زوکادو، ۱۳۸۲، ص ۲۴). خودنمایی نیز مانند تظاهر کردن از کوتاهی فکر ریشه می گیرد و موجب می شود که دیگران با دیده ی استهزا به خودنما بنگرند. خودنما می خواهد خود را در نظر دیگران عظیم و محبوب گرداند. در تظاهر کردن کسی که خود را فاقد شخصیت می داند، گمان می کند که می تواند به وسیله ی تظاهرهای دروغین و بلوف زدن، اثبات شخصیت کند. چنین کسی اگر در محیط فضل و دانش باشد، تظاهر به علم می کند و می پندارد که می تواند از خودش یک شخصیت علمی بترشد و اگر در محیط اشرافی و خانوادگی و ثروت باشد، به اشرافیت و ثروت تظاهر می کند تا نقطه ای را که برای خویش ضعفی می پندارد، جبران کند (صدر، ۱۳۷۸، ص ۱۸۱). هم چنین افرادی که احساس حقارت می کنند، مجبورند برای رهایی از این احساس با دروغگویی خود را برتر و بهتر از آنچه هستند نشان دهند (ریاحی، ۱۳۷۰، ص ۱۲۱).

۲-۲. خوش بینی دروغین: مانند چشم بند است و به شخص این امکان را می دهد که آن چه را نمی خواهد ببیند، البته مانع آن نمی شود که شخص در برخورد با مانعی که نمی بیند، به زمین نیفتد. شخصی که چشم بند به چشم دارد، به دیوار می خورد و در چاله می افتد (زوکادو، ۱۳۸۶، ص ۲۲۶). خود فریبی نیز که نوعی خوش بینی دروغین است؛ متداول ترین شکل دروغگویی است که به فرد اجازه می دهد روزی دو بسته سیگار بکشد در حالی که ادعا می کند معتاد به سیگار نیست (پیز، ۱۳۸۶، ص ۲۹۱).

۳-۲. بهتان، تهمت یا افترا: زشت ترین دروغ هاست و اگر بگوییم از قتل و آدم کشی بدتر است، چندان راه دوری نرفته ایم. زیرا جنایتکار آدم کش، جان را می گیرد. ولی مفتری حیثیت و آبرو را می گیرد و دامن بی گناهی را آلوده می سازد و بد نامش می کند (صدر، ۱۳۸۷، ص ۱۶۱). دروغ مغرضانه نیز مانند بهتان برای انتقام یا سود بردن از چیزی گفته می شود. گاهی برای نابود کردن شخصیت و شهرت قربانی ها دروغ های مغرضانه طرح ریزی می شود که معمولاً نتایج خوب و ماندگاری نیز دارد (پیز، ۱۳۸۷، ص ۲۱۴).

۴-۲. دروغ مصلحت آمیز: که یک بخش از ساختار اجتماعی ماست و ما را از جریحه دار کردن احساسات یکدیگر یا توهین به هم با گفتن حقیقت تلخ و گزنده منع می کند (همان، ص ۲۱۳).

۵-۲. دروغ فریبکارانه یا فریبنده: این نوع دروغ نیز بسیار زیان بار است، زیرا فرد دروغگو به خاطر حفظ منافع خود، قصد آزار رساندن به قربانی خود یا مانع شدن از پیشرفت وی را دارد. در دروغگویی فریب کارانه، دو شیوه اصلی وجود دارد: پنهان کاری و تحریف. در پنهان کاری شخص دروغگو در عمل دروغ نمی گوید بلکه از دادن اطلاعات مضایقه می کند. در شیوه ی تحریف اطلاعات نادرست به عنوان حقیقت بیان می شود. این نوع دروغگویی؛ رفتاری است تعمدی نه تصادفی. دروغ های توأم با سوء نیت یا به خاطر انتقام و یا به دلیل نفع مالی گفته می شود. این نوع دروغ اغلب به عنوان سلاح در شرایطی رقابتی به کار می روند. آنهایی که از روی بدخواهی دروغ می گویند، اقدام به نابودی شخصیت و اعتبار قربانیان خود می کنند (پیز، ۱۳۸۶، ص ۲۸۲). وقتی قصه ی ما فریب دیگران باشد، خودمان را نیز درگیر کرده ایم (شیرالدی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۰).

۶-۲. نقاب شخصیتی: همه ی ما در زندگی عیوب غیر قابل قبول خود را زیر یک نقاب شخصیتی پنهان می کنیم. مفهوم نقاب شخصیتی توسط کارل جونگ در اوایل قرن بیستم شناخته شد. از نظر جونگ نقاب شخصیتی، نقاب اجتماعی است که شخص در مواجهه با موقعیت های مختلف برای خود بر می گزیند. این کار، گاه آگاهانه و گاه به صورت ناخودآگاه انجام می شود. در هر دو صورت نقاب شخصیتی به ما کمک می کند تا از پس مشکلات کودکی مان، ترس هایمان و دیگر مشکلات بر آییم. بنابراین می توان گفت نقاب شخصیتی ما بیانگر این است که می خواهیم چگونه باشیم. اما چیزی را که می خواهیم ممکن است با خود حقیقی مان متناقض باشد و یا حتی نقابمان را اشتباه انتخاب کنیم، پس اعتقاد به چیزی که ما می خواهیم باشیم (نه چیزی که هستیم) ما را از خود واقعی مان دورتر می کند و این یعنی دروغ (رابینز، ۱۳۹۰، ص ۲۸)!

۷-۲. خود فریبی: نوعی دروغ است که ممکن است به ارتکاب اعمال فضیلت مآبانه منجر شود. هم چنین دروغ های بزرگی برای پوشاندن حقایق کوچک به کار گرفته شود (گلمن و بختیاری، ۱۳۹۰، ص ۴۶۷). به نظر می رسد که برای بیرون کشیدن واقعیات ناخوشایند از هزار توی ذهن، نیروی کششی از نوع گرانش نیاز باشد و این که ظرفیت مشترک گروهی ما برای رویارویی با واقعیات دردناک، اگر از ظرفیت فردی ما کمتر نباشد، بیشتر نیست. ما این واقعیات را نادیده می گیریم، به آن ها پشت می کنیم و از آن ها فاصله می گیریم. دست آخر هم فراموششان می کنیم و پادمان می رود که فراموششان کرده ایم، همان خلاء ذهنی ای که همواره پوشاننده ی حقایق ناخوشایند و رنج آور است (همان، ص ۲۷۰).

۸-۲. دروغ های رومانتیک: یکی از خطرناک ترین دروغ ها که بر سر راه زنان قرار می گیرند، دروغ های رمانتیک یا عاشقانه اند، وقتی که دروغگوی رمانتیک مشغول دروغ گفتن می شود بیشتر زنان از اتفاقی که قرار است رخ بدهد بی اطلاعند. چنین دروغگوهایی فقط درگیر تصورات واهی خود هستند و در نتیجه می توانند از لحاظ عاطفی، روانی و اغلب مالی صدمات شدیدی به زنان برسانند (پیز، ۱۳۸۷، ص ۲۱۲). هر گاه کسی در پی صورتی زیبا بیفتد و در برابر تمایلات جنسی خود نتواند مقاومت کند خود را عاشق می خواند، غافل از آن که این شهوترانی است نه عشق. هوس بازی را عشق نامیدن دروغ و خیانت است. این دروغ ها در واقع نوعی دورویی است، شخص دورو زبان و دلش دو تاست. عاشق دروغین شبیه سنگ تراش، شکل دهنده ی سنگ است که خواستار تسلیم بلاشرط دیگری می باشد (شوستروم، ۱۳۸۶، ص ۱۵۲).

۹-۲. دروغ مکتوب: دروغ نوشته شده از جهتی از دروغ گفته، زشت تر می باشد. زیرا دایره ی عمل از نظر وسیع تر است. دروغ گفتنی فقط یک دم است و سپس نابود می شود ولی دروغ نوشتنی می ماند. دروغ قلم به همه جا می رود و همه کس آن را می خواند، به ویژه اگر در روزنامه های پرتیراژ یا در کتاب باشد. هر چند دروغ های کتابی از دروغ های روزنامه ای ناپسندتر می باشد. زیرا مردم در کتاب

کمتر احتمال دروغ می دهند، در نتیجه از دروغ کتابی بیشتر گمراه می شوند. کتاب خزانه ی تحقیق است. بنابراین دروغ در کتاب بیشتر گول می زند، پس ناپسندتر خواهد بود (صدر، ۱۳۷۸، ص ۱۲۶).

۱۰-۲. دروغ مجانی: سیاه بخت ترین دروغگوها، دروغگویی است که بدون هدف دروغ بگوید. او بدون آنکه از دروغ گویی، سودی برای خویش در نظر بگیرد، دروغ می گوید. بسیاری از اوقات هیچگونه منظوری از دروغ گفتن ندارد نه شخصی و نه اجتماعی ولی باز هم دروغ می گوید. با دوست، با دشمن، با خویش و با بیگانه دروغ می گوید گویا برای او دروغ، طبیعت ثانوی شده است (همان، ص ۱۳۲).

۱۱-۲. تحریف: تحریف از مصادیق دروغ است تحریف سه جور است: یکی آن که سخن کسی را دگرگون نقل کند، دیگر آن که از خویش بر سخن او بیفزاید. سوم آنکه، از سخن او کم کند و باقیمانده را منحصرأ به او نسبت دهد، نه آنکه قسمتی از سخن کسی را نقل کند (همان، ص ۱۳۳).

۱۲-۲. خلاف قرار داد: از دروغ های عملی بسیار زشتی که بسیار معمول شده است، عمل نکردن بر طبق قراردادی است که دو طرف با آن موافقت کرده اند (همان، ص ۱۹۶).

از طرفی برخی معتقدند که دروغ اقسامی دارد از جمله: دروغ در گفتار یعنی خبر دادن بر خلاف واقع، دروغ در نیت و اراده و آن عدم خلوص نیت برای خداست، دروغ در عزم و تصمیم به کار خیر و این نیز از فساد و زبونی قوه ی شهوت است. دروغ در وفای به عزم که نفس گاهی و در حالتی به آسانی تصمیم می گیرد، زیرا وعده دادن برایش مشقتی ندارد. دروغ در اعمال که اعمال ظاهری فرد، دلالت بر صفتی در باطن او می کند که فاقد آن است. دروغ در مقامات دینی مانند دروغ در خوف و رجا، زهد و تقوا، حب و تعظیم، توکل و تسلیم و دیگر فضایل اخلاقی (مجتبوی، ۱۳۷۲، ص ۳۰۴).

همانطور که ملاحظه می شود، بسیاری از رفتارها و گفتارهای آدمی که به نظر شوخی و سرگرمی می باشد در واقع نوعی دروغگویی محسوب می گردد. حال پس از شناخت انواع دروغ و دروغگویی، باید با این صفت ناپسند به مبارزه برخاست، اما برای مبارزه با این پدیده، ابتدا باید در مورد عوامل و انگیزه های آن، شناخت دقیق و کافی داشت. بنابر این در این جا لازم است ریشه های درخت دروغگویی بررسی شود تا دریابیم چه چیزهایی موجب بارور شدن این درخت منفور می گردد:

د. عوامل دروغگویی

پس از روشن شدن جایگاه کذب در فرهنگ اسلامی و قرآنی و قبح آن باید با این صفت پلید شیطنی به مبارزه برخاست اما برای مبارزه ریشه ای با این پدیده شوم، ابتدا باید در مورد عوامل و انگیزه های آن شناخت دقیق و کافی داشت. از آنجا که قرآن کریم دارای سابقه ی طولانی در مبارزه با این صفت است باید به این طناب محکم الهی تمسک کرده تا در این راه یاریگر و راهنمای ما باشد. (مودنی، ۱۳۸۸، ص ۴۷)

۱. عوامل ارتکاب دروغ از منظر قرآن

قرآن کریم با بررسی زوایای مختلف زندگی انسان ها و حالات گوناگونی که در آنها موجود است، عوامل دروغگویی را این چنین ترسیم نموده است:

۱-۱. وسوسه های شیطنی: در سوره ی انفال آیه ۴۸ آمده: **زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ**. شیطان، اعمال آنها را در نظرشان بیاراست. هم چنین سوره ی عنکبوت آیه ۳۸ اشاره دارد به: **زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَ كَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ**. شیطان اعمال شان را برای آنان بیاراست و آنان را از راه بازداشت، حال آنکه مردمی صاحب بصیرت بودند. وسوسه های شیطنی گاه انسان مسلمان را به دروغ گویی تحریک می کند. قرآن به انسان هشدار می دهد که شیاطین و یاران ابلیس الهام کنندگان دروغ بر دروغگویان هستند.

آیا شما را آگاه کنم که شیاطین بر چه کسی نازل می شوند؟ بر هر بسیار دروغگوی گنهکار نازل می شوند. (شعرا، آیات ۲۲۱ و ۲۲۲)

۲-۱. فریب و نیرنگ: بسیاری از مردم دروغ را برای فریب و نیرنگ دیگران به کار می برند تا حقیقت خود یا امر دیگری را نهان سازند و وجه مثبت و مقبولی به موضوع بدهند. (اعراف آیه ۲۰، عنکبوت آیه ۱۲، منافقون آیه ۱)

۳-۱. نهان سازی و پنهان کردن مخالفت های قانونی: از اهداف دروغگو و فلسفه دروغگویی، پنهان کردن جرم است. وقتی انسان بر خلاف قوانین عقلی، شرعی، عرفی، رسوم و آداب اجتماعی و حتی گروهی و شخصی عمل می کند، با دروغ می کوشد آن را نهان کند تا این گونه از آثار و عواقب عمل رهایی یابد، زیرا می داند در صورت صداقت و راستگویی باید تبعات عمل خویش را نیز بپذیرد و تحمل کند. (یوسف آیات ۱۷-۱۸، یوسف آیات ۲۵-۲۸)

۴-۱. **انکار حقایق:** از دیگر اهداف دروغگویان انکار حقایق است. دروغگو برای این که حقیقتی را نپذیرد و بتواند با آثار و تبعات پذیرش حق مخالفت ورزد، با دروغ می کوشد تا خود را از حقیقت و آثار پذیرش آن در امان نگه دارد. از این رو مثلاً با دروغ حقیقت وحی را منکر شود تا بتواند دنیای خویش را چنان که می خواهد بسازد و از هر گونه پیروی از قوانین شرعی و تبعات آن در دنیا در امان ماند. (فرقان آیه ۵)

۵-۱. **حسادت:** یکی از عوامل که دروغ را موجب می شود، حسادت نسبت به داشته های دیگران به ویژه دوستان، خویشان و آشنایان است. بی گمان داستان حسادت قابیل و نیز برادران حضرت یوسف (ع) نمونه ای روشن از نقش حسادت در قتل است. (مائده آیات ۳۰-۳۱، یوسف آیات ۸-۹) البته نخستین بار در عالم هستی شیطان نسبت به آدم ابوالبشر حسد ورزید و از دروغ به عنوان ابزار فریب بهره جست و گفت: «هل ادلك على شجرة الخلد و ملك لايبلى» (طه آیه ۱۲۰) «آیا تو را به درخت جاودانگی و ملکی زوال ناپذیر دلالت کنم؟» آری شیطان آنچه را که باعث تدلی و سقوط آدم بود، به دروغ به عنوان دلالت و صعود آدم عنوان کرد.

۶-۱. **امنیت جانی:** از دیگر عواملی که انسان را به دروغگویی می کشاند و مطلبی را برخلاف اعتقادات و باورهایش بر زبان می آورد، رهایی از قتل است. در حقیقت دروغ گویی، دژی است که شخص برای رهایی از قتل بدان پناه می برد و این گونه امنیت جانی خودش را تضمین می کند. (نحل آیه ۱۰۶)

۷-۱. **جهل و نادانی:** قرآن، بزرگترین علت دروغگویی را جهل و نادانی انسان ها دانسته و آن را این گونه بیان کرده است که: «قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ». (ذاریات آیات ۱۰-۱۱) همان ها که در جهل و غفلت فرو رفته اند. و «قَوْلٍ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ». (طور آیات ۱۱-۱۲) وای بر تکذیب کنندگان، کسانی که مشغول بازی با سخنان باطل اند.

۸-۱. **کینه توزی:** انگیزه مهم دیگری که قرآن از آن به عنوان انگیزه ی کذب بیان می کند کینه ی افراد با جامعه اسلامی و انسانی است که قرآن کریم در وصف منافقان می فرماید: «فی قلوبهم مرض». (بقره آیه ۱۰) در قلب های آنها بیماری وجود دارد. این کینه و نفرتی که در دل آنها وجود دارد باعث می شود تا آنها با اجتماع مسلمانان به صورتی دو گانه و منافقانه برخورد کنند تا ساده تر به اهداف خود برسند که قرآن کریم آنها را اینگونه توصیف کرده است: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَ بِالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِيْنَ». (بقره آیات ۹-۱۶) گروهی از مردم کسانی هستند که می گویند: به خدا و روز جزا ایمان آوردیم در حالی که مؤمن نیستند خود را مصلح معرفی می کنند در حالی که در حال فسادند و در خلوتهایشان مؤمنان را مسخره می کنند. (بقره آیه ۸) و در جایی دیگر به وضوح بیان می فرماید که منافقین مسجدی به جهت زیان رساندن و تفرقه افکنی بین مؤمنین و پایگاهی برای دشمنان خدا و رسول ایجاد کرده ولی با این حال قسم می خورند که نیت آنها جز خیر و نیکی چیزی نبوده است، که خداوند بر دروغگو بودن آنها شهادت می دهد. (توبه آیه ۱۰۷) چنان که مشاهده می شود منافقان به دلیل کینه توزی هایی که با مؤمنین دارند به دروغ خود را مصلح و محسن معرفی می نمایند و در زیر چتر حمایت آن به کارهای کینه توزانه ی خود ادامه می دهند و بر اصلاح خود قسم می خورند. (بقره آیه ۱۰)

۹-۱. **رفع تناقض ها:** یکی دیگر از عوامل کذب، رفع تناقض هایی است که در اثر یک دروغ و یا در اثر حرکت های منافقانه ایجاد شده است. یعنی با تمام تلاش هایی که می کنند تا خود را از دست آثار دروغ نخستین نجات دهند، با توسل به دروغ های بعدی بیشتر در باتلاق دروغ فرو می روند. همچنان که برادران یوسف برای توجیه گناه خود به دروغ متوسل شده و گفتند: یوسف را با خونی دروغین آغشته گردانند و وقتی دروغ آنها کارگر نیفتاد به پدر تهمت زدند که حتی اگر ما راست هم بگوییم تو به ما اعتماد نخواهی کرد. (یوسف آیات ۱۷-۱۸)

۱۰-۱. **کبر و خود برتر بینی:** از مهمترین عوامل کذب کبر و خود برتر بینی است، فرد برای اینکه جایگاه خود را رفیع تر و بلندتر از بقیه قرار دهند سخنانی به هم می بافند که به هیچ اصل و قانونی متصل نیست. مانند قوم یهود و نصاری که گاهی خود را ابناء الله و دوستان خاص خدا می دانند. (مائده آیه ۱۸) و با این سخنان خود را برتر از اقوام دیگر می شمارند و یا مانند فرعون که به جهت برتر دانستن خود تا آنجا پیش رفت که خود را رب و پروردگار اعلی و بلند مرتبه مردم خواند و رسالت موسی و هارون از طرف خدای یگانه را انکار و تکذیب کرد. (نازعات آیات ۲۱-۲۴) و مهمتر از همه اینکه ابلیس به خاطر حس خود برتر بینی و کبر خود از دستور خداوند در مورد سجده بر آدم سرپیچی نمود و لذا از درگاه الهی رانده گشت. (بقره آیه ۳۴)

۱۱-۱. **کسب در آمد و منفعت:** یکی دیگر از عوامل کذب کسب منفعت و در آمد است، چرا که بعضی از انسانها حاضرند برای به دست آوردن مال و موقعیت های اجتماعی به دروغ سازی و دروغگویی پردازند و از این راه به نان و نوایی برسند چنانکه خداوند درباره قوم یهود می فرماید: «قَوْلٍ لِّلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكُتُبَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هٰذَا مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ لِيَشْتَرُوا بِهٖ ... ثَمَنًا قَلِيْلًا قَوْلٍ لَّهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ اَيْدِيهِمْ وَ وَيْلٌ لَّهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ». (بقره آیه ۷۹) «پس وای بر آنها که نوشته ای با دست خود می نویسند، سپس می گویند: این از طرف خداست تا آنکه آن را به بهای کمی بفروشند، پس وای بر آنها از آنچه با دست خود نوشتند و وای بر آنها از آنچه از این راه به دست می آورند.» چنان که

مشاهده می شود بعضی از افراد قوم یهود برای به دست آوردن ثمن اندک دست به دروغ سازی و دروغ نویسی و نسبت دادن آن به خداوند زدند.

۱-۱۲. عادت کردن به دروغ گویی: ملکه شدن دروغ در فرد نیز یکی دیگر از عوامل کذب است به این معنا که فرد بر اثر کثرت دروغ گویی و اینکه کارهای خود را با این گونه سخن گفتن به انجام می رساند، لذا دروغگویی برای او به صورت عادت در آمده و با کوچکترین مسئله ای از دروغ استفاده می کنند. چنان که علامه طباطبایی رحمه الله علیه در ذیل آیه شریفه: «وَ اللَّهُ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ» (انعام آیه ۲۳) که درباره دروغگویی مشرکین و منافقین در قیامت است می فرماید: «از آنجایی که کفار در دنیا عادت کرده بودند که به وسیله دروغ، خدعه، فریب و سوگندهای دروغ، خود را از مهلکه رهایی و منافع خود را جلب کنند و دروغگویی ملکه ی راسخه ای در دل هایشان شده بود و وقتی ملکه در نفس رسوخ نمود، نفس ناگزیر در اجابت خواسته های آن است، کفار در قیامت از روی عادت و ملکه ای که در دنیا داشته اند بی اختیار لب به دروغ می گشایند.

۱-۱۳. جلب نظر مردم: دیگر از عوامل کذب جلب نظر و بزرگ نشان دادن خود است، تا بدین وسیله مورد ستایش و تشویق دیگران قرار بگیرد تا به اهداف پلید خود برسند که در این مورد می توان به آیاتی که در باب ریا کردن در اعمال وارد شده است استناد نمود، چنانچه که در آیه ی: «وَ إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَىٰ يُرَاءُ وَ النَّاسَ وَ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا» (نساء آیه ۱۴۲) هنگامی که به نماز می ایستند با بی حالی انجام می دهند و در برابر مردم ریا می کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی کنند.

۱-۱۴. عدم اعتقاد به روز جزا: یکی از مهمترین عوامل کذب عدم اعتقاد به روز جزا و زندگی پس از مرگ است. کسی که به این روز، اعتقاد و ایمان نداشت، جلوی راه خود را برای انجام هر عملی باز می بیند و در رفتار خود مواظبت نمی کند، و لذا در قرآن کریم در آیات مختلف متذکر شده است که کفار روز قیامت را دروغ می انگارند و منافقین، به آخرت کافر و بی اعتقادند که این موارد در اکثر سوره های جزء سی قرآن کریم کاملاً مشهود است. و در سوره هود نیز وقتی سخن از دروغ بستن به خدا می آید، ذکر می کند که آنها به آخرت کافرند. «الَّذِينَ يَصَّدُونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَ يَبْغُونَهَا عِوَجًا وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ». (هود آیه ۱۹) و در سوره بقره در وصف منافقین می فرماید: «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ ءَ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَ بِالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِيْنَ». (بقره آیه ۸) در این آیه تصریح شده که منافقین به دروغ خود را معتقد به خدا و روز رستاخیز نشان می دهند در حالی که ایمان ندارند و لذا دلیلی برای مراقبت و مواظبت در رفتار و کردار خود نمی بینند و به دروغگویی های خود ادامه می دهند تا مقاصد پلید خود را عملی نموده و به اهداف خود برسند.

۱-۱۵. قساوت قلب: در برخی افراد دیگر ایمان مانع دروغگویی آنها نمی شود. قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (انعام، آیه ۴۳). دلهای آنها قساوت پیدا کرده؛ و شیطان، هر اعمالشان را در نظرشان آراسته بود.

۲. عوامل ارتکاب دروغ از منظر روان شناسان

از نظر روان شناسان عواملی زیادی وجود دارد که موجب دروغگویی می شود. از جمله دایر (۱۳۷۸) که معتقد است ما به شیوه های مختلف عادت کرده ایم، به جای پیروی از وجود برترمان از هوای نفس تبعیت کرده و با دروغ های مختلف امور زندگی را به دست بگیریم. در زیر به این عوامل پرداخته می شود:

۱-۲. حفظ آبرو: ممکن است فرد برای حفظ آبروی خویش حقیقت را کتمان نماید و دروغ هایی را بر زبان جاری سازد (ملکوتی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۸). گاهی برای حفظ آبرو تدوین یک سناریو برای قانع کردن دیگران به بی گناهی خود از مشکلات و عوارض این نوع دروغ است که فرد دروغگو را مجبور می کند آنچه گفته و به فردی که گفته و زمان آن را از یاد نبرد و برای جلوگیری از افشای دروغش، اجباراً دروغ های دیگر هم ساز کند که پیوسته این دروغها به روی هم تلنبار می شوند (دایر، ۱۳۸۷، ص ۲۵۵).

۲-۲. رابطه پنهانی: گاهی برخی از مردها دوست دارند که با زن دیگری هم غیر از همسر خود رابطه داشته باشند. حالا اگر بررسی کنیم متوجه خشمی می شویم که درون شان کلاً نسبت به زن دارند. فکر می کنند زن موجودی است که می خواهد قدرت خود را به آنان تحمیل کند و به این وسیله ثابت کنند هیچ کاری از دست زن بر نمی آید. این گونه مردان مجبورند رابطه ی خود را پنهان کرده و در مواقعی خاص برای کتمان آن، به دروغ متوسل شوند (خانجانی، ۱۳۸۴، ص ۶۲).

۳-۲. سخن چینی: آدم سخن چین از دروغ، غیبت، مکر و حيله، نیرنگ و کینه، حسد و نفاق جدایی ناپذیر است. او شخص مغبوضی بوده و مورد اعتماد نمی باشد (شریفی اشکوری، ۱۳۸۴، ص ۷۱).

۴-۲. حسادت: هنگامی که بدبختی فرا می رسد برخی از مردم تنفر زیادی از دیگران به دل می گیرند و یا به طور کلی نسبت به همه چیز و همه کس حسادت می ورزند. این گونه افراد به جای آن که سرنوشت خود را بپذیرند و برای زندگی بهتر تلاش کنند سعی می نمایند در برابر دیگران موضع منفی بگیرند (دیب، ۱۳۷۹، ص ۴۴). حسادت فرد را وادار می کند تا در جستجوی جزئی ترین ضعف فرد

مورد حسادت باشد و محاسن او را تکذیب کند. کارهایش را منفی تعبیر کند و همچنین قضاوت های غلط را درباره ی آینده چند برابر کند. از نظر ژان تولموند این افشاگری غیر قابل پیش بینی، که ضعف های دیگری را نشانه می گیرد. بنابراین حسادت ممکن است ما را وادار به صدمه زدن به کسانی کند که به آنها حسادت می کنیم. صدماتی مانند: بدگویی و افترا. حسادت آن بخش فعال روان را، که همیشه آماده ی آزار رسانی و تجاوز به حقوق دیگران است، تقویت می کند (گورنیه، ۱۳۸۴، ۴۴). صدماتی که می تواند مرتبط به شخص، موقعیت اجتماعی یا شهرتش باشد. مثال ماری کوری، که پس از دریافت دومین جایزه نوبل، از طرف مطبوعات به داشتن رابطه ی نامشروع با لائوون (فیزیکدان فرانسوی ۱۸۷۲-۱۹۴۶) متهم شد، نمونه ای گویا از رفتارهایی است که عامل شان می تواند حسادت باشد.

۲-۵. مهم جلوه دادن خود: برخی از افراد برای مهم جلوه دادن خود وعده های دروغ به دیگران می دهند. به طور مثال مردی که وانمود می کند با تمام مسئولین کشور و سفارتخانه های خارجی حشر و نشر دارد و می تواند درخواست اقوام و دوستان را به راحتی حل کند و یا خانمی که در مورد شغل همسر، وضعیت اقتصادی همسر، پدر و مادر خود و همسرش دروغ های زیادی می بافت (صادقکار، ۱۳۷۶، ص ۲۵). یا این که فرد در تعامل با دیگران سعی می کند ظاهر خود را به گونه ای درست کند که محبوب باشد. بسار سریع تغییر موضع می دهد. کاملاً تلقین پذیر است و از دیگران و محیط رنگ می گیرد. لذا اگر در محیطی قرار بگیرد که به خاطر راستگویی به فردی، خرده گرفته شده، فردای آن روز چهره عوض می کند و به دروغ متوسل می شود (آذربایجانی و سالاری فر، ۱۳۸۱، ص ۲۶۷). یا با تظاهر به قلدری دیگران را ترسانده و در کنترل خود می گیرد. نیاز نفسانیت برای بهتر، قوی تر و مهم بودن، رفتاری مانند تهدید کردن، لاف زدن، تکبر، زبان بازی، و غیره ایجاد می کند (دایر، ۱۳۸۷، ص ۲۵۸).

۲-۶. انکار خاطرات ناخوشایند: برخی از خاطرات دردناکند بنابراین فرد آن را به مدت های طولانی انکار کند. شما هم ممکن است به یاد احساسات هراسناک بیافتید و از این بابت ناراحت شوید. در این صورت موقتاً آن را کنار گذاشته و یا به دروغ خود را بشاش و خندان نشان دهید (سایمون، ۱۳۸۴، ص ۱۱۵).

۲-۷. کارهای پنهانی: گروهی از افراد عادت کرده اند در حیطه خصوصی خود یک یا چند کار پنهانی انجام دهند. بدین شکل احساس استقلال و حتی امنیت می کنند (خانجانی، ۱۳۸۴، ص ۶۳).

۲-۸. سود و نفع فردی و جلوگیری از درد و ناراحتی: گاهی فرد به دو دلیل دروغ می گوید یا برای این که سود و نفعی عایدش شود و یا برای جلوگیری از درد و ناراحتی (پیز، ۱۳۸۷، ص ۳۱۲). برخی افراد برای به دست آوردن آنچه می خواهند، از دروغ حساب شده جهت گول زدن دیگران استفاده می کنند (نوابی نژاد، ۱۳۷۲، ص ۶۰).

۲-۹. دست کاری واقعیت: یعنی بیان همان طور که اتفاق افتاده، بلکه آن طور که دوست دارد اتفاق بیافتد. دروغ های کوچک هر چه بیشتر توجیه شوند، بخشی از روش زندگی می شوند. در این نوع دروغ گفتن فرد با کمک دروغ از رو در رو با برخی از حقایق تلخ و دردناک فرار می کند و اگر بتواند تعداد بیشتری از افراد را همراه می کند تا دروغ خود را بیشتر باور کند. (chambers, 2014).

۲-۱۰. امید به مصونیت از آسیب ها: یکی دیگر از انگیزه هایی که باعث انجام دروغ می شود، امید است به این که بتواند از مشکلات، آسیب ها و دردهای ناشی از آشکار شدن بعضی رفتارها و عملکردها مصون بماند، که این کار با اقدام به دروغ و بی صداقتی امکان پذیر است. هر چند در این حالت شخص فقط چند مورد از آنها را می تواند با دروغ پوشش دهد (کاو، ۱۳۸۸، ص ۲۳۴). دروغی که شخص برای فرار از تنبیه و بازخواست گفته و به این ترتیب پاداش می گیرد (خانجانی، ۱۳۸۴، ص ۴۵).

۲-۱۱. گفت و گوی درونی درباره خطرات دنیا: استفاده از ذهن برای خلق گفته هایی درباره ی ناامنی دنیا از تکنیک های نفسانی است. هر چه فرد دنیا را خطرناک تر بشمارد، کمتر می تواند وجود والایش را بشناسد. خودداری از برقراری ارتباط با خود والا موجب می شود نفهمد که ایمن و الهی هست. خود فریبی نفسانیت او را متقاعد می کند که از دیگران جدا و خاص هست و شانس ندارد. به خاطر هویتش وقتی خود را پایین می آورد و توجهی به موقعیت خود نمی کند و از ریسک کردن می ترسد با نفسانیت هم آوا شده است که خود را ضعیف و بی ارزش کند. این ارزیابی از خود به عنوان موجودی فریب کار و غیر واقعی به معنای فاصله گرفتن از حقیقت است و ابراز نفس است تا او را از نسبت وجود مقدسش باز دارد (دایر، ۱۳۸۷، ص ۲۵۵). در حالی که یکی از گام ها به سوی خودگویی مثبت، رو به رو شدن با ترس ها می باشد، خودگویی منفی به فرد نحبیب می زند که به خودش دروغ بگوید (رضا زاده، ۱۳۹۱، ص ۷۲).

۲-۱۲. مسائل روانی: در روان شناسی نوعی بیماری به نام "پارانویا" وجود دارد و افرادی که این بیماری را دارند، "پارانویید" نامیده می شوند. این افراد به همه کس بدبین و شکاک هستند. در این حالت فرد برای حفاظت خودش شروع به دروغ گفتن می کند (خانجانی، ۱۳۸۴، ص ۲۹). این افراد که دچار برخی بیماریهای روانی هستند، اکثراً دروغ می گویند. افکار نامنظمی دارند و اصلاً حواسشان نیست که دارند دروغ می گویند. توهم دارند و به نظر خودشان واقعاً صحنه هایی را می بینند. این افراد از نظر دیگران دروغگو هستند ولی از

نظر خودشان نیستند چون به نظر خودشان واقعاً چیزهایی را دیده اند یا شنیده اند، بعضی نیز در افکارشان خود را بزرگتر و مهمتر از آنچه هستند جلوه می دهند (همان، ص ۳۱).

۱۳-۲. عدم آگاهی: فرد از این جهت به سهولت دروغ می گوید چون به قدرت کلام واقف نیست. ما نمی دانیم با هر کلام دروغی که از دهانمان بیرون می آید چه اثری روی ما و کائنات می گذارد. کلام چه به صورت تلقین و چه به صورت فرمان دادن تأثیر بسیار ملموسی بر خود ما و جهان هستی می گذارد (همان، ص ۹۶).

۱۴-۲. جلب ترحم: جملاتی که غالباً برای جلب حس ترحم یا عشق و محبت اطرافیان گفته می شود. مانند: حالم اصلاً خوب نیست، به زودی می میرم و اگر ترکم کنی خودم را می کشم از این قبیل دروغها که لزوماً منعکس کننده احساسات واقعی شخص نیست.

۱۵-۲. جلب توجه دیگران: کسی که خواستار جلب عواطف دیگران می باشد به دروغ ادعای فقر می کند. از زندگی خویش شکایت می کند، گدایی می کند، در وصف پریشانی خویش داد سخن می دهد. این گونه دروغها اضافه بر دروغگویی، دارای پستی طبع نیز می باشد. هم چنین نادان هایی که خود را خوشمزه می نامند و می خواهند به وسیله ی لودگی و مسخرگی و متلک گویی، جلب عواطف کنند. گاهی ضعیفی را مورد حمله شوخی و استهزاء قرار می دهند، گاه رفتارهای خلاف ادب و نزاکت، از خود بروز می دهند، گاه دروغ هایی جعل می کنند که حاضران را بخندانند، گاهی دروغ هایی در مراسم سوگواری می گویند، برای آنکه شنوندگان بیشتر بگریند (صدر، ۱۳۷۸، ص ۱۱۲).

۱۶-۲. خشم: سرچشمه دیگر دروغگویی خشم است. شخص خشمناک به راحتی زبانش از کنترل خارج شده و هر سخن دروغی را به زبان جاری می سازد و ابداً ملاحظه این را ندارد که چگونه می خواهد بعد از فرونشستن شعله های خشمش به طرف نگاه بکند (میرزاجانی، ۱۳۷۲، ص ۱۴۵). گاهی نیز افراد با ابزار دروغ گفتن، جهت آسیب رساندن به دیگران به اهداف پلید خود می رسند. (chambrs, 2014)

۱۷-۲. احساس فشار: گاهی فرد اصرار دارد امری را که مرتکب شده، مخفی بماند چرا که ممکن است مورد بازجویی قرار بگیرد و به اصطلاح او را سوال پیچ کنند (قائمی، ۱۳۶۳، ص ۲۷۸). چه بسا همین سوال پیچ کردن دیگران، منجر به دروغگویی شود.

چنین برداشت می شود برخی تجربه های ما که شامل ادارک، تصویرهای ذهنی، خاطره ها، احساس ها، هیجان ها، حالت های خلقی، اندیشه ها، باورها، خواست ها، نیت ها، طرحواره های حرکتی و پیام های گوناگون می باشند، می توانند عامل دروغگویی گردند. عوامل ذکر شده فطرت پاک بشر را که خواستار راستی و درستی می باشد، به بیراهه کشانده و منحرف می کند. اما گاهی اوقات عقل بشر، دروغ گفتن را جایز شمرده است.

موارد تجویز دروغ

از رسول اکرم (ص) روایت شده که فرمود: «هر که میان دو تن اصلاح دهد و سخن نیکو بگوید دروغگو نیست.» و فرمود: «همه ی دروغ ها ناگزیر ثبت می شود مگر دروغی که مرد در جنگ بگوید، که جنگ خدعه کردن است، یا وقتی میان دو کس کدورت و ملالی باشد و میانشان اصلاح کند یا مرد با زن خود سخنی گوید که او را خوشدل سازد.» (مجتبوی، ۱۳۷۲، ص ۳۰۶)

بنابراین دروغ برای دفع ضرر یا شر یا فساد جایز است به شرط آنکه قصد و نیت صحیح در میان باشد پس فرد باید بکوشد تا نیتش صحیح باشد و تا ناچار نشود از آن احتراز جوید و به حد ضروری و واجب اکتفا نماید. هم چنین دروغ به زن، شامل وعده هایی غیر جدی، ابراز محبت و مبالغه در آن است. سعید در تفسیر عبارت گفتگوی مرد با زن خود، می نویسد: «به او وعده ای دهد که شاد و خرسندش سازد» (اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۲۵۷).

از طرفی زن ها معتقدند که مردها زیاد دروغ می گویند! به راستی آیا مردها بیشتر از زن ها دروغ می گویند؟

میزان دروغگویی زن ها و مردها

زن ها درست به اندازه ی مردها دروغ می گویند تنها نوع دروغشان متفاوت است. از آن جایی که زن ها دانش زیادی درباره ی زبان اشاره و علائم صوتی دارند، اغلب موارد به دروغ مردها پی می برند و این طور به نظر می رسد که مردها بیش از زن ها دروغ می گویند. در حالی که اینطور نیست آن ها فقط دستشان رو می شود (پییز، ۱۳۸۶، ص ۲۹۱).

بنابراین مردان و زنان تقریباً به یک اندازه دروغ می گویند و فقط محتوای دروغ آنهاست که با هم فرق دارد. زنان بیشتر به این خاطر دروغ می گویند تا باعث شوند دیگران احساس بهتری نسبت به آنان داشته باشند، مردان دروغ می گویند تا خود را خوب و بهتر جلوه دهند، علاوه بر این از بحث و مجادله نیز جلوگیری کنند. البته برای زنان سخت است که در مورد احساس خود دروغ بگویند در عین

حال مردان خیلی دوست دارند درباره ی دوران جوانی خود و این که چقدر در آن دوران پر شور و شر بودند دروغ بگویند (پییز، ۱۳۸۷، ص ۲۱۷).

بررسی شباهت ها و تفاوت های علل دروغگویی از منظر قرآن و روان شناسی

همان طور که ذکر شد در قرآن عوامل مختلفی برای ارتکاب به دروغگویی آمده است. از جمله: وسوسه های شیطان که اعمال انسان را در نظرشان آراسته می کند. (انفال/ ۴۸، عنکبوت/ ۳۸، شعرا/ ۲۲۱-۲۲۲) عامل دیگر دروغگویی، فریب دادن دیگران می باشد. (اعراف/ ۲۰، عنکبوت/ ۱۲، منافقون/ ۱) و پنهان کردن عملی که بر خلاف قوانین عقلی و شرعی می باشد. (یوسف/ ۱۷-۱۸، یوسف/ ۲۵-۲۸) همچنین منکر شدن حقیقت نیز از عوامل دیگر دروغ برشمرده شده است. (فرقان/ ۵) علاوه بر این ها، حسادت نیز نقش مهمی در دروغگویی دارد. (مائده/ ۳۰ و ۳۱، یوسف/ ۸-۹) قرآن جهل و نادانی را بزرگترین عامل دروغگویی انسان ها دانسته است. (ذاریات/ ۱۰-۱۱، طور/ ۱۱-۱۲) از نظر قرآن کینه و نفرتی که در دل منافقان وجود دارد باعث می شود آنها با اجتماع مسلمانان دوگانه برخورد کنند. (بقره/ ۱۰، بقره/ ۹-۱۶، بقره/ ۸، توبه/ ۱۰۷، بقره/ ۱۰) توسل به دروغ های بعدی (یوسف/ ۱۷-۱۸) و این که برخی افراد متکبر برای رسیدن به جایگاه بالاتر دست به دروغگویی می زنند. (مائده/ ۱۸، نازعات/ ۲۱-۲۴، بقره/ ۳۴) علاوه بر این، برخی انسان ها برای به دست آوردن مال و ثروت به دروغ می پردازد. (بقره/ ۷۹) و برخی افراد نیز از روی عادت برای هر مسئله ی کوچکی دروغ می گویند. (انعام/ ۲۳) گاهی نیز برای جلب توجه دیگران و برای این که مورد ستایش مردم قرار بگیرند به دروغگویی روی می آورند. (نساء/ ۱۴۲) از طرفی، مهمترین عامل دروغگویی عدم اعتقاد به روز جزا ذکر شده است. (هود/ ۱۹، بقره/ ۸) و قساوت قلب که موجب می شود افراد زیادی به دروغگویی پرداخته و به آثار شوم آن بی توجه اند.

روان شناسان نیز عوامل گوناگونی را که باعث می شود تا افراد بزرگسال به دروغگویی متوسل شوند این گونه برشمرده اند: حفظ آبرو، رابطه پنهانی، ضعف افراد، سخن چینی، حسادت، مهم جلوه دادن خود در نظر دیگران، انکار خاطرات ناخوشایند، کارهای پنهانی، سود و نفع فردی، دست کاری واقعیت ها، امید به مصونیت (از آسیبهای اجتماعی، ترس ها و غیره)، گفت و گوی درونی درباره ی دنیا، بیماری روانی، پنهان کاری ها، عدم آگاهی، دروغ های نمایشی، خشم، دروغ به منظور جلب توجه دیگران و احساس فشار. این عوامل باعث می شوند برخی افراد در شرایط خاصی به دروغ روی آورده و از آن به عنوان ابزار استفاده کنند.

بررسی شباهت ها

با بررسی دیدگاه قرآن و روان شناسان در مورد عوامل ارتکاب به دروغگویی چنین حاصل شد که هر دو دیدگاه پنهان کاری یا نپنهان سازی، انکار حقایق، حسادت، امنیت، جهل یا عدم آگاهی، کینه توزی و خشم، کسب درآمد و منفعت فردی، بیماری روانی و عادت کردن، جلب نظر دیگران و مهم جلوه دادن یا تظاهر را عوامل ارتکاب دروغگویی می دانند.

بررسی تفاوت ها

از دیدگاه قرآن عوامل دیگری از جمله: وسوسه های شیطانی، عدم اعتقاد به روز جزا و قساوت قلب نیز موجب دروغگویی افراد می شوند که این عوامل مربوط به بعد معنوی انسان و اعتقاد وی به دنیایی ورای این دنیای خاکی می باشد.

نتیجه گیری

تحقیق حاضر نشان می دهد برای دروغ معانی متعددی ذکر شده است، هم چنین دروغ انواع مختلفی دارد که برخی افراد یک یا چند نوع آن را در زندگی خود به کار می برند. در پایان می توان نتیجه گرفت که: دو عامل اساسی؛ یکی، عامل فردی یا روان شناختی که به شخصیت فرد مربوط می شود و دیگری عامل محیطی و فرهنگی (خانه، مدرسه و اجتماع) که فرد در آن زندگی کرده و با افراد گوناگون در ارتباط است، باعث دروغگویی می شود. هم چنان که برخی از عوامل دروغگویی که از منظر قرآن کریم مورد بررسی واقع گردید، نیز مبین این امر می باشد؛ از جمله: حسادت، جهل و نادانی به عوامل فردی و برخی مانند: وسوسه های شیطانی، فریب و نیرنگ، جلب نظر مردم به عوامل محیطی مربوط می شوند. هم چنین به گفته ی دشمن زیاری (۱۳۹۰) نتایج تحقیقات دکتر چالز دیک نیز به عامل روان شناختی و فردی اشاره داشته، خانجانی (۱۳۸۴) نیز نوعی بیماری روانی به نام پارانوئید را عامل دروغگویی افراد دانسته است. از طرفی پیز (۱۳۸۷) و صدر (۱۳۷۸) به طور مستقیم به عوامل اجتماعی از جمله: خانه، مدرسه و جامعه ای که فرد در آن زندگی می کند، پرداخته اند. با توجه به عوامل برشمرده در متن حاضر، می توان چنین برداشت کرد که همه ی عوامل ذکر شده به نوعی زیر مجموعه ی این دو عامل اساسی می باشند. در پایان لازم به ذکر است که باید توجه داشت، دروغگویی نیز مانند همه ی بیماری ها، علل و عوامل فراوانی دارد. همان طور که ذکر شد، برخی از این عوامل مربوط به خود شخص می باشد و برخی مربوط به جامعه و مردمی که فرد با آن ها در ارتباط است. بنا بر این اگر کسی بخواهد بیماری دروغگویی را درمان کند ابتدا باید عوامل ایجاد کننده ی دروغ را بشناسد، سپس در صدد درمان آن باشد.

پیشنهادهای مقاله

تحقیق حاضر در صدد بررسی علل دروغگویی از نظر روان شناسان بوده است. اما سوالات دیگری نیز مد نظر محقق می باشد که پاسخگویی به هر یک، نیاز به تحقیقات دیگری دارد. از جمله:

۱. نظر قرآن و روان شناسان در مورد آثار و عواقب دروغگویی چه می باشد؟
۲. این نکته که برای حل معضل دروغگویی، ابتدا باید علل و عوامل آن بررسی شود، سپس به درمان آن پرداخت شکی نیست. با توجه به محدود بودن این تحقیق امکان بررسی روش های درمانی میسر نشد. این موضوع (روش های درمانی دروغگویی از نظر قرآن و روان شناسان) می تواند مورد تحقیق و بررسی توسط دیگر محققین واقع گردد.
۳. در این تحقیق علل و عوامل دروغگویی بزرگسالان مورد بررسی قرار گرفت. آنچه مسلم است دوران کودکی و نوجوانی افراد تاثیر بسزایی در تربیت آن ها دارد. سوال بعدی این است که چه علل و عواملی موجب دروغگویی کودکان می شود؟ پرداختن به این سوال نیز می تواند موضوع تحقیقی دیگری باشد.

منابع و مراجع

- [۱] قرآن کریم
- [۲] اسلامی، حسن، ۱۳۸۲، دروغ مصلحت آمیز، نوبت چاپ، قم، بوستان کتاب
- [۳] آذربایجانی، مسعود و سالاری فر، محمد رضا، ۱۳۸۱، روان شناسی عمومی، قم، یاقوت
- [۴] بیابانگرد، اسماعیل، ۱۳۷۰، راهنمای والدین و معلمان در تربیت و آموزش کودکان، تهران، نشر فرهنگ اسلامی
- [۵] پیز، آلن و باربارا، ۱۳۸۶، چرا مردها سر درگم هستند و زنان به دنبال کفش های بیشتر، ترجمه: ثریا شریفی، تهران، نسل نو اندیش
- [۶] پیز، آلن و باربارا، ۱۳۸۷، چرا مردان دروغ می گویند و زنان گریه می کنند، ترجمه: هوریا موسیایی، تهران، سلسله مهر
- [۷] خانجانی، لیلا، ۱۳۸۴، دروغ نگو، تهران، بوستان توحید
- [۸] دایر، وین دلیو، ۱۳۸۷، خود مقدس شما، ترجمه: سودابه مبشر، تهران، کتاب پارسه
- [۹] دبیری، عاطفه، ۱۳۹۱، دروغگویی کودکان و روش های اصلاح و درمان آن، تهران، ایماژ
- [۱۰] دشمن زبانی، اسفندیار، ۱۳۹۰، ریشه یابی علل دروغگویی و راه های درمان آن، (www.migna.ir)
- [۱۱] دلمن، اِجرالد، ۱۳۸۷، زبان و آگاهی، ترجمه: رضا نیلی پور، تهران، نیلوفر
- [۱۲] دیپ، سمیوئل، ۱۳۷۹، بله شما هم می توانید، ترجمه: اصغر شفیعی نیک، تهران، آسیا
- [۱۳] رابینز، مایک، ۱۳۹۰، خودتان باشید، ترجمه: رضا محمودی فقیهی، تهران، دانش پرور
- [۱۴] رضا زاده، حمید رضا، ۱۳۹۱، خودگویی: آموزش روش های موثر گفتگو با خود، تهران، وایا
- [۱۵] ریاحی، غلامحسین، ۱۳۷۰، روان شناسی در خدمت اولیا و مربیان، تهران، نشر اشراقیه
- [۱۶] زوکادو، گاری، ۱۳۸۲، قدرت حقیقی با هوشیاری عاطفهی، تهران، کتاب آوند دانش
- [۱۷] سامون، سیدنی، ۱۳۸۴، بخشودن، ترجمه: مهدی قراچه داغی، تهران، رسا
- [۱۸] شاملو، سعید، ۱۳۶۳، بهداشت روانی، تهران، رشد
- [۱۹] شریفی اشکوری، محمد، ۱۳۸۴، پناهگاه شیطان، قم، قمردین
- [۲۰] شوستروم، اورت، ۱۳۸۶، روان شناسی انسان سلطه جو، ترجمه: قاسم قاضی و غلامعلی سرمد، تهران، نشر قطره
- [۲۱] شیرالدی، گلن آر، ۱۳۹۰، ده راه حل ساده برای تقویت اعتماد به نفس، تهران، فرهنگ رسا
- [۲۲] صادقکار، مرتضی، ۱۳۷۶، خود را روان کاوی کنید، تهران، اکباتان
- [۲۳] صدر، رضا، ۱۳۷۸، دروغ، قم، شمس
- [۲۴] علیمحمدی، حجت الله، راز توصیف دوگانه انسان در قرآن، ماهنامه معرفت، سال هجدهم، شماره یکم، ۱۳۶
- [۲۵] فیضی تبریزی، کریم، ۱۳۸۶، دنیای زبان، قم، تهذیب
- [۲۶] قائمی، علی، ۱۳۶۳، پژوهش مذهبی و اخلاقی کودکان، تهران، حسام
- [۲۷] کاوه، سعید، ۱۳۸۸، بررسی روان شناسی عشق، تهران، سخن
- [۲۸] گلمن، دنیل و بختیاری، رامین، ۱۳۹۰، زندگی در باتلاق فریب، تهران، نسل نواندیش
- [۲۹] گورنیه، بثاتریس و روسو، اگنس، ۱۳۸۴، غلبه بر حسادت، ترجمه: فروزان تجویدی، تهران، جیحون
- [۳۰] لازاروس، آرنولد، ۱۳۸۴، ۴۰ فکر سمی، ترجمه: مهرداد فیروز بخت، تهران، رسا
- [۳۱] مجتبوی، جلال الدین، ۱۳۷۲، علم اخلاق اسلامی، تهران، حکمت
- [۳۲] ملکوتی فر، ولی اله، ۱۳۸۸، تربیت در نهج البلاغه، سبزوار، امید مهر
- [۳۳] میرزاجانی، حسین، ۱۳۷۲، دروغ، کلید گناهان ویران کننده ایمان، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- [۳۴] نوابی نژاد، شکوه، ۱۳۷۲، رفتارهای هنجار و ناهنجار در کودکان و نوجوانان، تهران، ابتکار هنر
- [35] chambers, jesse. (2014). 13 reasons why we all tell lies. July (2014). (www.AL.com)